

قتل قانونی

محمد رضا قنبری^۱

چکیده

قانونگذار در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی به موضوع قتل در فراش یا به تعبیر ما قتل قانونی پرداخته است. حال با توجه به اینکه این موضوع با ابهامات متعددی روبرو است ما در این نوشته تلاش می کنیم که ابهامات موجود با استفاده از منابع معتبر فقهی تا حد توان نویسنده برطرف گردیده و با ذکر تاریخچه ی موضوع و سابقه آن در حقوق سایر کشورها و تحلیل حقوقی ماده ۶۳۰ و بررسی فقهی موضوع به این نتیجه برسیم که نه تنها حذف این ماده ضرورتی ندارد بلکه تبیین و تشریح و رفع ابهامات مطروحه بر قانونگذار واجب است تا قضات، وکلاء و سایر حقوقدانان و افراد جامعه بتوانند قصد مقنن را به طور صریح و صحیح دریابند.

کلید واژه: قتل - زنا - اکراه - فراش

طرح مساله:

موضوع این مقاله تحلیل حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی است که از آن به قتل قانونی یاد می کنیم. این تحقیق با روش کتابخانه ای انجام شده و به لحاظ اینکه این ماده مجوز قتل دو نفر را صادر نموده ضرورت هر چه بیشتر جهت پژوهش را ایجاب می کند چرا ممکن است از سوئی مستمسکی برای رهائی قاتلان قتل های ناموسی از مجازات قرار گیرد، و از سوی دیگر ممکن است فردی قصاص شود که باید از معافیت قانونی این موضوع برخوردار می شد و مجازات نمی گردید، بنا بر این بر اساس قاعده حفظ و حرمت دماء، ضرورت هر چه بیشتر این پژوهش را در راستای رفع ابهامات موجود بر خود فرض دانستم. از سوی دیگر نظر به کمبود منابع پژوهشی در این خصوص و لزوم تحقیقات جامع در این راستا با هدف ابهام زدائی از ماده ۶۳۰ و امید به اصلاح آن در آینده این جسارت را به حقیر داده که این سطور را به رشته تحریر در آورم. امید است مورد توجه خوانندگان محترم قرار گرفته و علمای این علم نواقص را بر ما ببخشند.

گفتار اول - سابقه حقوقی:

نخستین متن قانونی که در مورد موضوع و حکم مندرج در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در قوانین ایران وضع شده ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی مصوب دی ماه ۱۳۰۴ می باشد که این قانون تا سال ۱۳۶۱ قابلیت اجرا داشت. این ماده مقرر می داشت: "هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود از مجازات معاف است. هرگاه به طریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود به یک ماه تا شش ماه حبس جنحه ای محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود به حبس جنحه ای از یازده

^۱معاون رئیس کل دادگستری اصفهان و مدرس دانشگاه law.ghanbari@yahoo.com

روز تا دو ماه محکوم می شود."

قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ این ماده را حذف کرد. در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ نیز قانونگذار حکمی در این خصوص مقرر نداشت. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ باز قانونگذار موضوع قتل در فراش را به سکوت برگزار کرد و اثری از حکم ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی دیده نمی شد. پس از یک دوران فترت، سال ۱۳۷۵ این حکم را در قوانین خود به موجب ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی داریم که در زمان تحریر این سطور به قوت خود باقی است

گفتار دوم - سابقه فقهی موضوع:

مرحوم شهید ثانی در کتاب شرح لمعه آورده است که:

اگر شوهر، مردی را در حال زنا با همسرش مشاهده نماید، حق دارد هر دوی آنها را بکشد، و بواسطه این کار گناهی بر او نیست بین خود و خدایش، هر چند در سایر موارد اجرای حد موكول به اذن حاکم و حکم اوست. این حکم در بین فقهاء مشهور است. (شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۳۵۹)

مرحوم محقق حلی صاحب شرایع الاسلام نیز می فرماید: "هر گاه مرد بیابد با زن خود مردی را که زنا می کند با او، پس از برای او یعنی شوهر است کشتن هر دو و گناهی از برای او نیست. یعنی میان خود و خدا و در ظاهر بر اوست قصاص." (یزدی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹)

صاحب جواهر با عبارت مشابهی می فرماید:

چنانچه کسی همسر خویش را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند و علم به مطاوعه و رضایت زن داشته باشد مجاز به قتل زوجه و زانی می باشد. (نجفی، ۱۳۶۸، صفحات ۳۶۸ و ۳۶۹)

البته عالم بودن شوهر به تمکین زن (علم به مطاوعه زن) به عنوان یکی از شرایط استفاده از این مجوز از زمان مرحوم صاحب جواهر به بعد مطرح گردید.

آیت اله خوئی از فقهای متاخر در این باب نظر مخالف دارند و می فرماید:

مشهور معتقدند هر کس که همسرش را در حالیکه مردی با او زنا می کند ببیند در حالیکه او تمکین می کند بر مرد جایز است هر دوی آنها را بکشد ولی قول مشهور خالی از اشکال نیست بلکه ممنوع است. (خوئی، ۱۹۷۶، ص ۸۴)

مرحوم امام خمینی (قدس سره) در تحریر الوسیله می فرماید:

"اگر مردی را ببیند که با همسرش زنا می کند و بداند که زن بخواسته او تن داده (و رضایت داشته) است حق دارد که هر دو را بکشد و گناهی نکرده و دیه ای بر او نیست" (اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۹)

البته مستند این حکم فقهی را فقهاء به استناد روایات متعدد از جمله روایت سعید بن مسیب و روایت مربوط به سعد بن عباد و روایت فتح بن زید جرجانی و سایر روایات منقول در این باب بیان کرده اند که بیان آنها اگر چه خالی از

لطف نیست ولی در این مجمل نمی گنجد.

گفتار سوم - تحلیل حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی:

ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: "هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است."

قانون گذار در این ماده ارتکاب قتل مرد اجنبی در حال زنا با زن شوهر دار و همچنین قتل زن شوهر دار را در صورت تمکین به زنا از ناحیه شوهر مجاز دانسته است و به او اجازه داده که به قتل یا ضرب و جرح آنان اقدام نماید اما باید توجه داشت که مجاز بودن ارتکاب قتل در این مورد شرایط قانونی خود را دارد و در موارد سکوت و یا نقص و یا اجمال قانون باید برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نمود که ذیلا به بررسی آنها می پردازیم:

۱- مجوز صرفا برای زوج:

قانونگذار در ماده ۶۳۰ آورده هرگاه مردی بنابراین اگر زنی شوهر خود را در حال زنا با زنی اجنبی ببیند آنها را نمی تواند مورد ضرب جرح قرار داده و یا به قتل برساند و از معافیت قانونی این ماده برخوردار شود. حکمت و علت این موضوع در قانون بیان نشده ولی شاید علت آن تحریک و تهییج مردی باشد که همسر خود را در حال زنا با مرد دیگری می ببیند و این عصبانیت و برانگیختگی شوهر او را دچار چنان حالت روحی و روانی می کند که ممکن است او را هر چند برای لحظه ای دچار جنون آنی کند و شاید اگر زنی شوهر خود را در حال زنا با زن دیگری ببیند دچار چنین حالت جنون آمیزی نشده و بتواند عاقلانه تر تصمیم بگیرد و شاید علت دیگر این موضوع این باشد که هیچ زنی نمی تواند در آن واحد دو همسر داشته باشد ولی این امکان برای مرد وجود دارد که بیش از یک همسر داشته باشد بنابراین ممکن است مشاهدات همسر او، ارتکاب زنا توسط شوهرش نباشد، بلکه مجامعت با همسر شرعی دیگرش باشد که کشتن یا ضرب و جرح آنها فاقد و جاهت قانونی و شرعی است. به نظر نگارنده این فلسفه و حکمت با اصول حقوقی سازگارتر است.

۲- مجوز صرفا برای مشاهده همسر:

بر اساس این ماده قانونی مجوز صرفا برای مردی است که همسر خود را با سایر شرایط اعلامی در ماده ببیند و شامل زن دیگری مانند مادر، دختر، خواهر و... نمی شود. بنابراین اگر مردی به طور مثال مادر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کرد هیچ گونه مجوز قانونی برای ضرب و جرح و یا قتل آنان ندارد و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح از معافیت مجازات قانونی ماده ۶۳۰ نمی تواند برخوردار شود. البته همانطور که در سابقه حقوقی این موضوع به تناسب اشاره داشتیم قانونگذار در ماده ۱۹۷ قانون مجازات عمومی سابق در مورد پدر و برادری که دختر

یا خواهر خود را با مرد اجنبی در یک فراش مشاهده می کرد و مرتکب قتل آنها می شد حکم به معافیت از مجازات اصلی قتل داده بود و صرفاً یک حبس جنحه ای برای آنها مقرر می داشت. ولی در حال حاضر این معافیت وجود ندارد و صرفاً معافیت از مجازات در مورد همسر می باشد.

۳- معافیت برای مشاهده در حال زنا با مرد اجنبی:

اگر زن و مرد اجنبی در حالتی غیر از زنا بودند به طور مثال در حال بوسیدن یا بغل کردن و امثالهم باشند به دلیل عدم تحقق شرط در حال زنا بودن قتل و ضرب و جرح آنها مشمول معافیت قانونی مذکور نمی شود.

مقنن در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی زنا را اینگونه تعریف نموده: "زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد."

بنابراین صرف ارتکاب عمل زنا جزء شرایط این ماده قانونی می باشد. البته قانونگذار در ماده ۱۹۷ قانون مجازات عمومی سابق با آوردن عبارت "در یک فراش یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند، دایره شمول حکم معافیت را بیشتر توسعه داده بود ولی قانونگذار سال ۷۵ با حذف این عبارت فقط خود "فراش" را مورد شمول حکم قرار داده است.

۴- مجوز قتل برای شوهر، مشروط به داشتن علم به تمکین زن:

برای اینکه مرد بتواند از مجازات قصاص در خصوص قتل همسرش معاف گردد علاوه بر اجتماع شرایطی که در ماده ۶۳۰ آمده باید علم به تمکین و رضایت زن به عمل زنا توسط مرد اجنبی داشته باشد. چون احتمال اکراه در زنا وجود دارد و در صورتی که زن مکره باشد کشتن او جایز نیست. البته چگونگی حصول این علم جای بحث دارد. شرط استفاده از این معافیت قانونی تنها علم یقینی می باشد. بنابراین در جایی که ظن یا گمان و حدس وجود دارد مرد مجاز به قتل نیست. مطلبی که قانونگذار در این ماده مغفول گذاشته اکراه مرد می باشد، چرا که در زنا امکان دارد مرد مکره به عمل زنا باشد و قانونگذار در ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی این ادعا را در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود قبول می کند در هر صورت مردی که همسرش را به قتل رسانده در صورتی قصاص نمی شود که ثابت نماید همسرش به زنا با مرد اجنبی رضایت داشته و از وی تمکین می کرده و شوهر عالم به این قضیه بوده است.

۵- در همان حال آنان را به قتل برساند:

شرط دیگر مجوز برای قتل مرد اجنبی زنا کار و همسر زانیه توسط شوهر ارتکاب قتل در حال مشاهده جرم ارتکابی می باشد و چنانچه اقدام ننماید پس از آن نمی تواند اقدام کند و قتل آنان، قتل موجب قصاص است. منظور قانونگذار از عبارت "در همان حال" مشاهده در حال ارتکاب زنا می باشد. بنابراین رسیدن شوهر پس از اتمام عمل زنا حتی با وجود یقین به ارتکاب زنا مجوزی برای شوهر جهت قتل مرد اجنبی و همسرش ایجاد نمی کند. حتی اقرار

مرد اجنبی و زن مبنی بر ارتکاب زنا نزد شوهر و یا شهادت چهار شاهد عادل نیز مجوزی برای شوهر ایجاد نمی کند. به دلیل اینکه اجازه اجرای حد با حاکم است.

۶- فقط قتل و یا ضرب و جرح:

قانونگذار با احراز شرایط اعلام شده فقط ارتکاب قتل و ضرب و جرح را مشمول معافیت قرار داده است. شاید اعتقاد داشته باشیم که چون قتل آمده به طریق اولی مثلاً آدم ربائی یا حبس یا توقیف غیر قانونی یا فحاشی و سایر جرائم را شامل می شود. به عبارتی چو صد آمد نود هم پیش ماست ولی این نوع تفسیر اگر چه به نفع متهم می باشد ولی از اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی دور شده ایم از طرفی با توجه به جمله آخر ماده قانونی که مقرر داشته: "حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است." با توجه با این که

قانونگذار در مقام بیان بوده اگر می خواست به جای ضرب و جرح سایر جرائم را مقرر می داشت و بنابراین اعتقاد به معافیت در خصوص سایر جرائم، قانونگذاری است که در مقام تفسیر از آن ممنوع هستیم.

گفتار سوم- موارد سکوت یا نقص یا اجمال قانون:

برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید.

با این مقدمه باید عرض کنم در خصوص ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی سوالات متعددی وجود دارد که ما سعی می کنیم با استناد به منابع معتبر فقهی از عهده پاسخ به آنها برآئیم.

۱. سوالی که مطرح است اینست که آیا احصان مرد وزن لازم است؟ و آیا عقد منقطع یا موقت نیز مشمول حکم ماده ۶۳۰ قرار می گیرد یا؟

به عبارتی آیا زنای مرد اجنبی با زن شوهر دار باید زنای محصنه تلقی شود تا شوهر آن زن، در صورت قتل ایشان معاف از مجازات باشد یا احصان شرط نیست؟

در پاسخ به سوال فوق مبنی بر اینکه آیا احصان در زن و مرد زنا کار شرط می باشد یا خیر؟ ابتداء به تعریفی از احصان پرداخته سپس نظر فقهاء در این خصوص آورده می شود:

"احصان دو قسم است: احصان مرد و احصان زن. احصان مرد اجتماع سه شرط زیر است:

الف- مرد آزاد موقعه مشروع صورت دهد (در هر جهت)

ب- زنی به اختیار داشته باشد از طریق عقد دائم یا مالک کنیزی باشد.

ج- زن مزبور همیشه در اختیار مرد باشد.

فقها شرط بلوغ و عقل را هم افزوده اند و در آن خلاف است. مردی که دارای شرایط بالا باشد محصن (بر وزن مسلم) نامیده می شود. شرطهای بالا اگر در شخص بالغ جمع شود صاحب این شرطها زنا کند آن زنا را زنای محصنه

نامند.

احصان زن عبارت است از اجتماع سه شرط زیر در زن :

الف- در ازدواج دایم مردی باشد یا مملوک او باشد.

ب- همیشه دسترسی به مرد مذکور بالا داشته باشد.

ج- زن اگر آزاد باشد موقه مشروع قبلا صورت داده باشد. چنین زنی را محصنه نامند و زناى او را در این شرایط پس از بلوغ زناى محصنه گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۶)

مرحوم صاحب جواهر می فرمایند:

"اگر مردی با همسرش مردی را یافت که با او زنا می کند و علم به تمکین و مطاوعه او داشت حق دارد هر دو را بکشد... و برخی از فقها مانند ابن ادریس این حکم را مقید به احصان نموده اند ولی مقتضای اطلاق کلام مصنف و سایر فقها مطلق بودن حکم است خواه عمل موجب رجم باشد یا شلاق و خواه زانی یا هر دو محصن یا غیر محصن باشند." (نجفی، ۱۳۶۸، ص ۳۶۸)

شهید ثانی در شرح لمعه می فرمایند:

"بین همسر دائم و موقت و مدخوله و غیر مدخوله و مرد محصن و غیر محصن فرقی نیست چرا که اذن به قتل آنها مطلق است و همه این حالات را شامل می شود." (لطفی، ۱۳۸۳، ص ۶۶۶)

مرحوم امام (ره) در تحریر الوسيله می فرمایند: "بین اینکه هر دو محصن باشند یا نباشند و اینکه زن دائمی باشد یا موقت و اینکه دخول به او شده باشد یا نه، فرقی نیست." (اسلامی، ۱۳۷۵، صفحات ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹)

با توجه به اطلاق ماده ۶۳۰ به نظر می رسد مقنن نیز به پیروی از مشهور فقهاء احصان را شرط نمی داند و به طور مطلق به شوهر اجازه قتل یا ضرب و جرح آنان را با جمع سایر شرایط ماده داده است .

همچنین با توجه به اینکه قانون مدنی در فصل ششم باب اول کتاب هفتم نکاح منقطع را به رسمیت شناخته است و در عرف نیز همسر به چنین زنی اطلاق می شود و از سوئی تفسیر به نفع متهم نیز ایجاب می کند که همسر را شامل زنی که به واسطه عقد دائم یا موقت به نکاح مرد در آمده است بدانیم، به تبعیت از مشهور فقهاء و با استدلالی که به عمل آمد می توان قائل شد این معافیت قانونی در خصوص نکاح منقطع نیز وجود دارد.

۲. سوال دیگری که مطرح است این است که آیا معافیت قانونی مذکور در خصوص مطلقه رجعی هم می باشد یا خیر؟

در پاسخ به این سوال با توجه به اینکه مطلقه رجعی در زمان عده از نظر حقوقی مانند همسر می باشد از جمله اینکه مانند زوجه برابر ماده ۱۱۰۹ نفقه او بر عهده شوهر است. و یا بر اساس ماده ۹۴۳ قانون مدنی اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی مطلقه کند هر یک از آنها که قبل از انقضای عده بمیرد دیگری از او ارث می برد. و با توجه به اینکه بنا

به نظر عده ای از علماء "زنی که دوران عده طلاق رجعی را می گذراند، از نظر فقهی حکم زوجه دارد." (محقق داماد، ۱۳۷۴، صفحه ۳۰۱) در بادی امر به نظر می رسد باید این معافیت را قائل شویم ولی با توجه به اینکه مقررات جزائی را نمی توانیم تفسیر موسع کنیم هرچند به نفع متهم باشد به نظر می رسد معافیت مورد بحث، مطلقه رجعیه را شامل نمی شود. از طرفی عرف نیز زن مطلقه را همسر نمی داند.

اداره حقوقی نیز در نظریه شماره ۷/۳۰۲-۷۸/۴/۲۶ خود اظهار نظر نموده: ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ناظر به زوجه ای است که مطلقه نشده باشد و تعمیم آن به نحوی که شامل مطلقه معتده رجعیه هم بشود، تفسیر موسع قانون است که در جزایات مجاز نیست، بنابراین قتل زن مطلقه در عده رجعیه توسط شوهر سابق از لحاظ جواز قتل در قانون نیامده است و بین فقهاء هم اختلاف نظر وجود دارد.

۳. سوال دیگری که باید پاسخ آنرا یافت آن است که قتل با قصد قبلی چه وضعیتی دارد؟

به طور مثال شوهر از روابط نامشروع همسر خود با مرد اجنبی آگاهی پیدا کرده است اگر با تهیه مقدمات و زمینه سازی، موجبات زناى آنان را فراهم نماید در صورت ارتکاب قتل می تواند از معافیت ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی برخوردار شود یا خیر؟

با نگرش ظاهری به ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی باید گفت در صورت وجود تمام شرایط احصاء شده در این ماده پاسخ مثبت می باشد و این ماده بطور مطلق وضع گردیده است. ولی به نظر می رسد فلسفه وضع این معافیت رعایت حال شوهرانی است که به طور ناگهانی با این وضعیت - یعنی زناى مرد اجنبی با همسرشان درحالی که اورضایت دارد- مواجه می شوند آنهم به لحاظ جنون آنی است که به مرتکب دست می دهد و یا از باب دفاع مشروع از ناموس در برابر تجاوز بیگانه است. در هر صورت به نظر می رسد قتل با قصد قبلی را در بر نخواهد گرفت.

۴. سوال دیگر، در خصوص مشاهده است که آیا شامل مشاهده از طریق فیلم ضبط شده و یا کلیپ تهیه شده یا ارسال تصویر از طریق اینستگرام یا سایر شبکه های اجتماعی می شود یا خیر؟

مشاهده در حال ارتکاب زنا ملاک عمل است و مشاهده پس از عمل زنا مثلا از روی شواهد امر یا آثار موجود و یا دیدن فیلم ضبط شده یا عکس گرفته شده نمی تواند مجوزی برای ارتکاب قتل یا ضرب و جرح باشد. این نظریه را عبارت قانون مبنی بر اینکه "در همان حال آنان را به قتل برساند" تقویت می کند.

۵. آیا زنا باید اثبات شود و اگر باید ثابت شود چگونه؟

سوالی که در ابتداء مطرح است این است که آیا با توجه به ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی همین قدر که مرد ادعا کرد که همسر خود را با مرد اجنبی در حال زنا مشاهده کرده و آنان را به قتل رسانده است کافی است و از وی پذیرفته می شود و یا اینکه، مرد جهت تبرئه خود، باید شرایط قانونی که بر اساس آن اقدام به ارتکاب دو فقره قتل عمدی نموده است را ثابت کند.

بدیهی است با توجه به اینکه قاتل در مقام دفاع از خود ادعائی را مطرح کرده که به استناد آن مدعی برائت خود می باشد باید ادعای خود را ثابت کند. و در این خصوص نظر مخالفی نیافتم.

ولی آنچه محل بحث می باشد سوال دوم یعنی نحوه اثبات این ادعا است. برخی معتقدند باید زنا با شرایط قانونی خود اثبات شود و با توجه به اینکه متهمان زنا زنده نمی باشند یکی از راههای ثبوت آن یعنی اقرار که مهم ترین دلیل اثباتی است منتفی است پس می ماند شهادت شهود .

برخی از نویسندگان معتقدند: "در این موارد در صورتی که شخص همسر خود (زانیه) و مرد بیگانه (زانی) را به قتل برساند هر چند در حقیقت مرتکب جرم و گناهی نشده است، اما باید مراتب واقعه را که دال بر مهدور الدم بودن مقتولان است مستدلاً و بنا بر ضوابط شرعیه در محکمه اثبات نماید در غیر این صورت ظاهراً مجرم تلقی شده محکوم به قصاص می گردد." (صادقی، ۱۳۸۰، ص ۵۵)

شعبه دوم دیوان عالی کشور در رای شماره ۱۵۳۴ مقرر داشته "اگر متهم به قتل عیال خود ادعا کند که او را با مرد اجنبی در یک فراش دیده و از این جهت مرتکب قتل وی شده است این دفاع کاملاً و به طور دقیق باید مورد توجه و رسیدگی واقع شود چه ثبوت این امر در قابل مجازات بودن و نبودن وی تاثیر بسزائی دارد اگر با نقص رسیدگی در این مورد، دادنامه بر محکومیت متهم صادر شود قابل نقض است." (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ص ۳۶۵)

حکم شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۷۵۲۲ مورخ ۷۱/۸/۱۷ بدین شرح است: "با توجه به محتویات پرونده، اصل ارتباط نا مشروع مقتول با همسر قاتل مسلم است، ولی مجوز قتل نمی تواند باشد و رای صادره از دادگاه کیفری یک مبنی بر قصاص نفس، مطابق موازین بوده و اعتراض وکیل موجه نیست. بنابراین رای صادره ابرام شده، جهت اقدام ارجاع می گردد." (بازگیر، ۱۳۷۶، ص ۶۱۲)

مرحوم شهید ثانی می فرمایند: "اگر شوهر اقرار به کشتن آن دو کند یا بینه آن را اثبات کند بر شوهر قصاص واجب می شود مگر اینکه بینه بر ادعای او قائم شود یا آنکه ولی مقتول او را تصدیق کند زیرا اصل بر اینست که آنها مستحق کشته شدن نبودند و فعلی هم که شوهر مدعی آن است واقع نشده است." (لطفی، ۱۳۸۳، ص ۶۶۶)

مرحوم امام در مساله ۲۹ می فرمایند: "در مواردی که زدن و مجروح ساختن و کشتن جایز است فقط جواز آن بینه و بین الله است و در واقع چیزی بر او نیست ولی در ظاهر قاضی طبق موازین قضاوت حکم می کند. بنا بر این اگر مردی را بکشد و ادعا کند که او را با زنش دیده است و شهودی بر آن اساس که شارع مقدس مقرر فرموده نداشته باشد حکم به قصاص از او می شود. و همچنین است در مورد اشتباه و نظائر آن." (اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۹)

با پژوهشی که این حقیر بعمل آوردم به نظر می رسد وضعیت یک پرونده با موضوع قتل در فراش را بدین شرح می توان خلاصه کرد:

الف- متهم مرد اجنبی و همسر خودش را مورد ضرب و جرح قرار داده است:

در این جا دو حالت متصور است: یا مرد اجنبی و همسر متهم اقرار به زنا دارند که در اینجا متهم از اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی مبری و فاقد هر گونه مسوولیت اعم از کیفری و حقوقی گشته و به پرونده زنا بر اساس مقررات مربوطه رسیدگی می شود. و یا اینکه مرد اجنبی و زن شوهر دار هیچگونه اقراری ندارند که در اینجا باز سه حالت متصور است: اول آنکه چهار شاهد با شرایط قانونی مربوط به شهادت شاهد، و به کیفیت مطروحه در فقه بر زنا ی آنان شهادت دهند. که در این صورت متهم از اتهام منتسبه مبری می گردد و پرونده ی زنا ی آنان رسیدگی و حکم مقتضی صادر می گردد.

حالت دوم اینکه برای قضات رسیدگی کننده (دادگاه کیفری یک) علم حاصل می شود که بر اساس علم حکم صادر می شود و مانند حالت اخیر الذکر می باشد.

حالت سوم: نه اقراری و نه شاهد و نه موجبات علم قاضی وجود دارد که در این حالت شوهر به لحاظ ایراد ضرب و جرح عمدی محکوم می شود.

ب- متهم فقط مرد اجنبی را به قتل می رساند:

که در این جا دو حالت متصور است؛ یا زن اقرار به زنا دارد ولی مدعی است مرد اجنبی با اکراه با وی زنا نموده است که در صورت پذیرش دادگاه زن و شوهر، هر دو را تبرئه می کند یا زن منکر زنا می شود در صورتی که مرد بتواند از طریق دیگری شرایط ماده ۶۳۰ را اثبات کند در خصوص قتل تبرئه می شود و الا محکوم به قصاص می گردد.

ج- متهم مرد اجنبی و همسر خود را به قتل می رساند:

که حالات زیر متصور است:

- اولیاء دم مقتول یا مقتولین او را تصدیق می کنند که متهم تبرئه می شود.
- اولیاء دم مقتول او را تصدیق نمی کنند و قاتل اقامه بینه می کند و دادگاه شهادت شهود وی را می پذیرد که در این صورت باز تبرئه می شود.
- متهم شهودی برای اثبات زنا ندارد و اولیاء دم مقتولین نیز او را تصدیق نمی کنند که در این صورت محکوم به قصاص می شود.

گفتار پنجم - حقوق تطبیقی:

مشابه مقررات ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در گذشته و در حال حاضر در قوانین کشورهای دیگر مشاهده می شود.

"در حقوق انگلستان نیز تحریک شدن قاتل به وسیله چیز های دیده یا شنیده شده موجب تخفیف محکومیت و مجازات مرتکب قتل عمدی به قتل غیر عمدی می شود، یکی از مصادیق بارز تحریک مشاهده زنا ی زن از سوی

شوهر دانسته شده است." (میر محمد صادقی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۹)

در ایالات متحده آمریکا قتل عمد اگر ناشی از تحریک باشد قتل عمد در حکم غیر عمد تلقی می شود، که قتل عمدی در حکم غیر عمد قتلی است که در شرایط مخففه واقع می شود و به تبعیت از این موضوع مجازات قتل در این موارد نیز تخفیف داده می شود. از جمله موارد قتل عمد در حکم غیر عمد قتل زن توسط شوهر در حال زنا با مرد دیگری می باشد. در این کشور برای زوجه نیز چنین حقی متصور گردیده است.

"یک قانون است که شوهری که بطور ناگهانی همسر خود را در حال انجام زنا می بیند، به طور متعارفی تحریک می شود، به همین جهت وقتی در حالت خشم همسر یا هردو را با قصد قتل می کشد، جرم ارتكابی او قتل عمدی در حکم غیر عمد است و نه قتل عمدی." (آقائی نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲)

مشابه حکم ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق ایران رادر ماده ۳۲۴ قانون جزای فرانسه می توانستیم ببینیم تا جائی که برخی از حقوقدانان معتقدند که "ماده اخیر الذکر-ماده ۱۷۹ ق.م.ع-از ماده ۳۲۴ «قانون جزای فرانسه» مصوب سال ۱۸۱۰، که مردی را که زن خود را در خانه مشترک زوجیت در حال زنا با مردی دیده و مرتکب قتل آنها می شد از معافیت قانونی بهره مند می کرد، اقتباس شده" می دانند. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۸) البته این حکم به موجب قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ نسخ شد و در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۴ اثری از آن دیده نمی شود.

نتیجه:

نتیجه ای که از این پژوهش می توان گرفت این است که بر خلاف نظر عده ای از حقوقدانان که به حذف این ماده قانونی عقیده دارند می بایست قانونگذار در رفع ابهامات آن گام بردارد و شرایط قانونی و فقهی این موضوع را هر چه بیشتر تبیین نماید و نحوه انشاء تشویقی و ترغیبی قانون را تغییر داده و به نحوی قانون انشاء گردد که وجه باز دارندگی آن بر سایر وجوه آن متمایز باشد. قانونگذار در این ماده هیچ اشاره ای به قصاص که مجازات اصلی قتل می باشد و لزوم اثبات ادعا توسط شوهر ننموده است. ولی وجود این نص با ذکر شرایط آن ترجیح دارد بر حذف آن.

فهرست منابع

الف-منابع فارسی

- ۱- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۸، چاپ چهارم.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶، چاپ هشتم.
- ۳- صادقی، محمد هادی، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۰، چاپ اول.
- ۴- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، ۱۳۸۸، چاپ یازدهم.
- ۵- بازگیر، یداله، قانون مجازات اسلامی در آئینه آراء دیوان عالی کشور، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۶، چاپ اول.
- ۶- حضرت امام خمینی (قدس سره)، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵، چاپ سیزدهم.
- ۷- لطفی، اسداله، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۳، چاپ دوم.
- ۸- محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، چاپ پنجم.
- ۹- لفو، واین آر، قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، مترجم دکتر حسین آقائی نیا، نشر پیام دار، تهران، ۱۳۸۳، چاپ اول.

ب-منابع عربی:

- ۱- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۶۸، چاپ سوم.
- ۲- حلی، محقق، شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴، چاپ ششم.
- ۳- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، مطبعه الاداب، نجف اشرف، ۱۹۷۶، چاپ اول.
- ۴- الجبعی العاملی، زین الدین (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴، چاپ نهم.